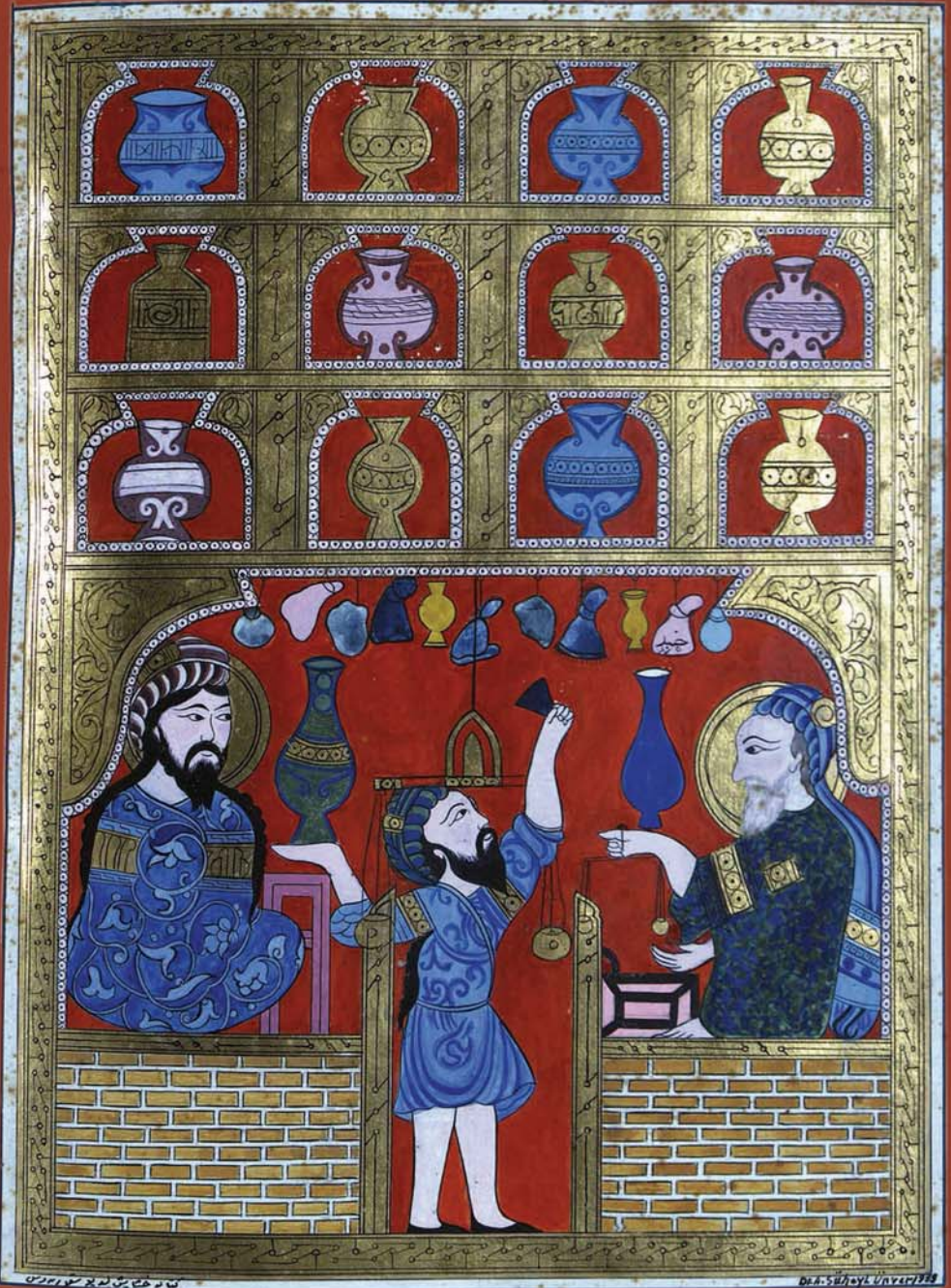


## فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار بهار ۱۳۹۹]

سرسختن؛ میراث مکتوب و نقش آن • درباره برخی تغییرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدی نهنقی • کتاب‌المصادر ابوغلی تیرانی / علی‌ابراهیم صادقی • فرمان جهانشاه قراقوبولو در منع عزاداری محرم (بمناسبت ۱۳۸۶ق) / صادقتین شیخ‌المکملی • نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / تاب شیرازی • مکر الهی / مصداقین کوشی • تسخانی تازیانیت از ارشاد قلاسی در لندن / ماری پوناشی • دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حرفی آن / سوسد قلاسی • «بِسْکُو» یا «بِسْکُو»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد معتمدی حکم • سیمسار پرتاب‌بده / مریم بیروسی / رباعی خیم در ریاض هندوشاه نخبجوانی / سید علی برافلسی • کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل چالویر در تبریز و بغداد / علی صفوی آق‌نهنه • معنوی و ارزشی مقلداتی هفت نسخه‌شاهنامه، مقدم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شایبوان • درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر رفغان • بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی • اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / حسن شریفی ضعی • درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین خدیووست • ادبیات فارسی بیرون از ایران (سیف‌آه هند، آملی، آسیای میانه، و در فارسی بیودی) / مصداقین کوشی • القانون فی الطب (کتاب‌الاول) فی الامور الکتابیه من علم الطب / سعید نصیرزاده / نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرضی موسوی • مدخل حساسه ملکی ایران / فاطمه حتمیان • ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۴) / سید احمدرضا قلم‌نمائی • آثار راشد محمد افندی / ملاحظاتی در باب نقد کتاب ازل القانون فی الطب / بهجت‌علی حسینی • پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیرازی



فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح  
 متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی  
 دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم  
 بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و  
 ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
 gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره آغاز کتاب الحشایش دیوسقوریدس  
 در مجموعه پزشکی ۳۷۰۳، کتابخانه ایاصوفیا، مورخ  
 ۶۲۱ق، به نسخ خوش عبدالله بن الفضل سبط الاعز.  
 در این نگاره یک دکان دارو فروشی دیده می‌شود. بر روی  
 یکی از اشیاء آویخته از بالای دکان، نام «جنید» نوشته  
 شده که به‌ظاهر نام نگارگر این نسخه است.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

## فهرست

سرخن

میراث مکتوب و نقش آن..... ۵-۳

جستار

در باره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی دامغانی..... ۷-۶

کتاب‌المصادر ابوعلی تیزانی / علی‌اشرف صادقی..... ۸

فرمان جهان‌شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ ۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی..... ۱۲-۹

نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / نایب شیرازی..... ۱۵-۱۳

مکر الهی / مجدالدین کیوانی..... ۲۷-۱۶

نسخه‌ای تازه یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف نوشاهی..... ۳۱-۲۸

دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حروفی آن / مسعود قاسمی..... ۴۶-۳۲

«بسکو» یا «بسکر»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد محمّدی خمک..... ۴۹-۴۷

سپه‌سار برن‌تابد پیه / مریم میرشمسی..... ۵۲-۵۰

رباعی خیتام در بیاض هندوشاه نخجوانی / سیدعلی میرافضلی..... ۵۴-۵۳

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل‌جلایر در

تبریز و بغداد / علی صفری آق‌قلعه..... ۸۵-۵۵

معرفی و ارزیابی مقدّماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران..... ۱۰۰-۸۶

در باره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان..... ۱۱۲-۱۰۱

بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلّق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی..... ۱۱۵-۱۱۳

اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صحنی..... ۱۲۰-۱۱۶

نقد و بررسی

در باره تصحیح جامع اللغات نیازی / امین حق پرست..... ۱۲۵-۱۲۱

ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه‌فازة هند، آناتولی، آسیای میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی..... ۱۳۷-۱۲۶

القانون فی الطب (الكتاب الأول، فی الأمور الكلية من علم الطب) / سعید فتحعلی‌زاده..... ۱۵۴-۱۳۸

نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی..... ۱۶۳-۱۵۵

مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان..... ۱۶۷-۱۶۴

پژوهش‌های دبستان

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۴) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی..... ۱۷۴-۱۶۸

ایران «متون و منابع عثمانی»

آثار راشد محمّد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۷۷-۱۷۵

دوره نوسازی پیشین

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی حبیبی..... ۱۹۰-۱۷۸

پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیری..... ۱۹۹-۱۹۱

## معرفی و ارزیابی مقدماتی هفت نسخه شاهنامه مقدم بر نیمه دوم سده هشتم

علی شاپوران

shapouran.ali@gmail.com

نسخه دیگر از شاهنامه هست که در همین بازه زمانی پدید آمده است و در این نوشته قصد معرفی هفت تا از آنها را داریم.<sup>۱</sup> از این هفت نسخه یکی کامل است و شش تا ناقص و فقط یکی تاریخ کتابت دارد (و بر یکی دیگر هم تاریخی درج شده است).

### الف. شاهنامه‌های کوچک

چهار نسخه شاهنامه به این عنوان مشترک شهرت یافته‌اند، اگرچه در بسیاری خصائص با هم تفاوت‌های جزئی و کلی دارند. این نسخ هر قدر در محافل غرب مشهورند، در ایران ناشناخته‌اند و به‌خصوص خلط آنها با چهار نسخه معروف شیراز<sup>۲</sup> در برخی نوشته‌های تاریخ هنر باعث تکرار این اشتباه در آثار کسان دیگر هم شده است. از سوی دیگر، برخی اهالی ادبیات چنین تصور می‌کنند که شاهنامه‌های کوچک دو یا سه نسخه هستند، نه چهار تا. از این رو ابتدا این چهار نسخه را به دنبال هم بررسی می‌کنیم:

#### الف. ۱. شاهنامه کوچک اول (چ)<sup>۱</sup>

نسخه ایست ناقص که در اصل دو جلدی بوده و حدود ۳۲۷ تا ۳۳۰ برگ داشته است و حدود ۱۱۱ برگ از آن (حاوی ۱۱۴ نگاره) - که بخش‌هایی مابین نبرد کیومرث و هوشنگ بالشرک دیو تا کشته شدن خسرو پرویز را در بر دارد - شناسایی شده است و شاید برگ‌های دیگری از آن هم باشد که بعداً معرفی شود. بخش اعظم این برگ‌ها (۷۹ برگ) در کتابخانه چستربیتی در دوبلین (به شماره ۱۰۴ دستنویس‌های فارسی) محفوظ است و سایر برگ‌ها در موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف پراکنده شده (نک. SIMPSON, 1979: App. 2) و تعدادی هم در حراجی‌های عتیقه به فروش رسیده است. اندازه دقیق صفحات را به‌علت دستکاری‌های بعدی

۱. دست‌نوشته ایلخانی معروف به ابوسعیدی یا دموت یا مغولی بزرگ را در این مقاله به دلایل مختلف (از جمله احتوا بر درصد کمی از متن شاهنامه و پرسش‌هایی که درباره تاریخ کتابت اغلب صفحات آن مطرح است؛ نک. بلوم، ۱۳۸۸: ۴۷ به بعد؛ Blair, 1989: pp. 125-130; Soudavar, 1996: fig. 45) بررسی نمی‌کنیم.  
۲. یعنی نسخه‌های استانبول، توقیاتی ۷۳۱، سن پترزبورگ ۷۳۳، نسخه قوام‌الدین حسن وزیر ۷۴۱ و نسخه موسوم به استیونس ۷۵۳ یا بیشتر (نسخه‌های ۶ و ۷ همین مقاله). این چهار نسخه معروف‌ترین نسخ در مکتب هنری اینجوی شیرازند.

برخی از نسخه‌های شاهنامه، به‌خصوص پس از تحقیقات ارزشمنند جلال خالقی مطلق و انتشار شاهنامه تصحیح‌شده او، برای مخاطب ایرانی آشنا هستند. نسخه‌های کامل یا تقریباً کامل شاهنامه، که مقدم بر سال ۷۵۰ نوشته شده‌باشند، ۵ تا بیشتر نیستند: نسخه ۶۷۵ لندن (کتابخانه بریتانیا)؛ نسخه ۷۳۱ استانبول (توقیاتی)؛ نسخه ۷۳۳ سن پترزبورگ، لنینگراد سابق (کتابخانه دولتی)؛ و نسخه ۷۴۱ دارالکتب قاهره (برای آشنایی اجمالی با این نسخه‌ها، خالقی مطلق، ۱۳۶۴). پنجمین این سیاهه نسخه بیروت، کتابخانه سن ژوزف است که هرچند تاریخ ندارد، قرائن متنی و نسخه‌شناسی باعث می‌شود در انتساب آن به پیش از این تاریخ شک نداشته‌باشیم (نک. موسوی، ۱۳۸۶ و خالقی مطلق، ۱۳۸۶).

یک دست‌نوشته تاریخ‌دار ناکامل و معروف هم داریم: نسخه فلورانس ۶۱۴ که فقط نیمه نخست شاهنامه را در بر دارد (نک. خالقی مطلق، ۱۳۶۷). نهایتاً اگر دو سال تخفیف دهیم نسخه کراچی ۷۵۲ را نیز (که حاوی نیمه دوم شاهنامه از پادشاهی گشتاسپ به بعد است) می‌توان به این فهرست افزود (نک. شاپوران، ۱۳۹۶) و به ۷ دست‌نوشته رسید: ۵ نسخه کامل یا تقریباً کامل، دو نسخه حاوی نیمی یا تقریباً نیمی از شاهنامه؛ ۶ تا دارای تاریخ کتابت و یکی فاقد آن. اما دست‌نوشته‌های بازمانده از شاهنامه که پیش از نیمه سده هشتم پدید آمده‌باشند فقط اینها نیستند. دست‌کم ۸

۱۴ در اسکن کتابخانه مینوی) تزیینات و نوشته‌هایی شبیه به آغاز متن جلد دوم کتاب هست که در آن، به ترتیب در بالا و پایین این صفحه و صفحه بعد، آمده است:

ز صورت چه گویم که مانی چین  
 ز رشکش در ابرو فکندست چین  
 که بر صاحب عصر فرخنده باذ  
 خداوند او را فلک بنده باذ  
 که حسن خطش اشک ابن الهلال  
 ز تشویر کردست پروین (پ با سه نقطه) مثال  
 کتابی که معیش نیکو بود  
 چنین صورتی لایق او بود

این ابیات و عبارت «صاحب عصر» نشان می‌دهد این نسخه هم برای یکی از وزرای دوران تهیه شده بوده و هم قاعدتاً نسخه‌ای دو جلدی بوده است. آیا ممکن است نام کاتب نسخه ابن الهلال باشد و اینگونه با «ابن بواب» (علی بن هلال) و نام خود ایهام ساخته باشد؟ نگارنده فعلاً از «علی بن حسین هلالی قزوینی مشهور به علاء» که چنین تخلصی داشته و مقیم شیراز و از مقربان دستگاه شاه شجاع بوده (نک. بشری، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۳۰؛ نیز بهنامی، ۱۳۹۷) باخبر است،<sup>۱</sup> که اگر معلوم شود او - که در کتاب خودش هم اشعاری از شاهنامه نقل کرده - شاعر این اشعار است، فرضیات تقریباً پذیرفته شده نسخه‌شناسان غربی درباره زمان و مکان تنظیم این نسخه نقض خواهد شد. نمونه خطی که از علاء در دو منبع پیش گفته آمده است به خط ج<sup>۱</sup> (به خصوص در سبک) بی شباهت نیست. البته احتمال این که همان شاعر خود کاتب این نسخه باشد کم است، منتها فرضیه تعلق ابیات به کاتب (و اشاره «ابن الهلال» به چیزی بیش از صرفاً ابن بواب مشهور با ترتیب ابیات ۱-۳-۲-۴) باید در آینده دقیق‌تر بررسی شود.

باری در این نسخه قاعده ذال اغلب رعایت شده است، ولی «که» را اغلب به همین شکل می‌نویسد و نه «کی». ضبط‌هایی همچون «لاژورد» و «نبتن» عموماً به همین ترتیب آمده است. ضبط «بحشم اندرون» (که شاید اصل آن

۱. از دوست عزیزم، آقای احمد بهنامی، ممنونم که مرا از نوشته آقای جواد بشری درباره این شاعر باخبر کردند.

(نک. پایین) نمی‌توان تعیین کرد، ولی اندازه فضای مکتوب صفحات ۱۵/۵ در ۱۲/۲ سانتی متر است. می‌توان حدس زد که نسخه در ابتدا قطع وزیری (۲۲ × ۱۶ سانتی متر) داشته بوده باشد. متن به نسخی روشن و زیبا با دور نسبتاً کم در شش ستون و ۲۹ سطر نوشته شده است؛ یعنی در هر صفحه‌ای که سرنویس و نگاره نداشته باشد، ۸۷ بیت بوده است، گرچه امروز تقریباً صفحه‌ای با این خصوصیات باقی نمانده است و اغلب صفحات نگاره و حدود ۵۰ تا ۶۰ بیت دارد.

جدول‌کشی بین ستون‌های متن سرخ و دو خط منفرد با فاصله‌ای حدود ۴ میلی متر است. جداول حاشیه متن از دو خط سرخ بسیار نزدیک به هم تشکیل شده است. سرنویس‌ها جای دو بیت را می‌گیرد. تقریباً تمام سرنویس‌ها را به زر حل نوشته و با یک خط آبی در داخل و دو خط سرخ در بیرون آن جدول بسته‌اند. نگاره‌ها را نیز با خطوطی مشابه سرنویس‌ها کادر بندی کرده‌اند. در نگاره‌ها - که اغلب بر زمینه طلایی کشیده شده است - نفوذ عناصر مغولی در چهره‌ها، کلاه‌خودها، اسب‌ها و سایر عناصر بارز است.

این شاهنامه را حدود ۹۰ سال است که در غرب می‌شناسند و درباره‌اش می‌نویسند. بر مبنای نگاره‌ها، آن را به مناطق متعددی، از شیراز و اصفهان و تبریز تا هندوستان و موصل و بغداد، و از حدود سال ۶۰۰ تا بعد از ۷۷۰ هجری نسبت داده‌اند (ibid, 18-29) ولی نظر سیمپسون، که سه نسخه کوچک اول و دوم و فری‌یر را به بغداد و حدود سال ۷۰۰ ق منسوب می‌کند، کم‌وبیش پذیرفته شده است. البته نظرات دیگر هم هوادار دارد، مثل انتساب کوچک اول و دوم به ملوک آل کرت (CANBY, 1998: 86) و فری‌یر به دو دهه بعد (نک. پایین).

صفحات نسخه ظاهراً در همان هنگام تهیه شماره‌گذاری شده است، اما برش متأخر صفحات باعث شده اغلب شماره‌ها بریده شود یا فقط نیمه پایینی آنها بر جای بماند. از روی همین شماره‌ها توانسته‌اند تعداد برگ‌های نسخه را تخمین بزنند (نک. SIMPSON, 1979: 89).

تعداد و کیفیت نگاره‌ها خود نشان می‌دهد این نسخه را برای یکی از ملوک و سلاطین یا صدور ترتیب داده بوده‌اند. علاوه بر آن، بالا و پایین صفحه ۲۹ کتابخانه چستربیتی (شماره

«بچشمه ندرن» بوده باشد) در «نبرد بهرام چویننه با شیرکپی» (متروبولیتن، 69/74/2) و بیستی با ضبط و قافیه‌ای منفرد در همان داستان دارد که شایسته توجه بیشتر است. در متن این نسخه دو ویژگی مهم هست که باید در مجال دیگری مستقلاً بدان پرداخت: یکی حفظ برخی خصوصیات کهن در ضبطها و ابیات؛ و دیگر ابیاتی که یکی یکی و دوتادوتا در برخی داستان‌ها به متن افزوده شده است و برخی در سایر نسخه‌های کهن دیده نمی‌شود، یا فقط در یکی - دو نسخه هست.

به نظر نگارنده میزان ابیات الحاقی پراکنده در این نسخه با هنجار نسخه‌های دیگر و انتظاری که از نسخه‌ای مورخ سال ۷۰۰ ق داریم چندان سازگار نیست. همچنین افتادگی یک یا اغلب دو بیت در صفحات مختلف آن دیده می‌شود که از الگوی سایر نسخ پیروی نمی‌کند و باید بررسی شود که کدام در نسخه اساس آن بوده و کدام نتیجه سهو کاتب است. مثلاً در خان پنجم اسفندیار (چستریتی MS104: ص ۳۵)، افتادگی دو بیت گسستگی آشکاری در داستان ایجاد کرده است که باعث می‌شود این فرض به ذهن متبادر شود که احتمالاً نسخه در این بخش کمابیش با عجله و از روی نسخه‌ای چهارستونی استنساخ شده و یک سطر از کتابت ساقط شده است.

در بررسی مقدماتی نگارنده به نظر می‌رسد این نسخه با هیچ‌یک از سایر نسخ کهن شناخته شده خویشاوندی نزدیک و همیشگی ندارد، ولی در بعضی جاها به نسخه سن پترزبورگ (لنینگراد سابق) ۸۴۹ (لن<sup>۱</sup> در تصحیح خالقی مطلق)، گاه به لندن ۸۴۱ (ل<sup>۲</sup> در آن تصحیح)، و گاه به قاهره ۷۹۶ (ق<sup>۱</sup> در آن تصحیح) و واتیکان ۸۴۸ (و در آن تصحیح) نزدیک‌تر از سایر نسخه‌هاست. ضمناً در مواردی ضبطها بیشتر به گروه نسخ لندن ۶۷۵ (ل در همان تصحیح و نسخه اساس تصحیح‌های مسکو و بنیاد شاهنامه، که کهن‌ترین نسخه کامل موجود از شاهنامه است) شبیه است، ولی در همان نقاط ابیاتی افزوده که در شاهنامه‌های گروه استانبول ۷۳۱ (س در تصحیح خالقی مطلق) هست. این ویژگی - که در دست‌نوشته سن ژوزف هم نمونه‌هایی دارد - اهمیت دست‌نوشته را در بررسی شجره نسب نسخ شاهنامه افزون می‌کند: باید بررسی شود که آیا این ویژگی نشانه التقاطی بودن این نسخه است یا حاکی از انشعابی در سایر نسخه‌ها، و این

زمانی ممکن است که نسبت سایر نسخه‌ها با هم دقیق‌تر تعیین شده باشد. به هر روی نگارنده امیدوار است در آینده جایگاه دقیق این نسخه را در شجره نسب نسخ شاهنامه تعیین کند و این بدون بررسی تمام صفحات و ابیات آن میسر نیست.

متأسفانه حرص فروشنده و علاقه خریداران غربی یک سده پیش به نگاره‌ها باعث شده که تقریباً در تمام برگه‌ها، با یکی - دو استثنا، رویی را که فاقد نگاره بوده است به صفحه کاغذ دیگری بچسبانند (SIMPSON: 1979, 85) و اینگونه ضبط حدود ۹۰۰۰ بیت شاهنامه از دست رفته است! صفحات را برای چشمگیرتر شدن دستکاری‌های دیگری هم کرده‌اند؛ از قبیل دو پوست کردن، جدا کردن نگاره از صفحه و چسباندن آن در جای دیگر و ... (ibid: 86). آقای چستریتی، بنیان‌گذار و مالک پیشین مجموعه دو بلین، اوراق این نسخه را از فردی در هند - که نامش احتمالاً «قصدار» یا «قزدار» بوده است - در چند نوبت خریده است و احتمالاً همین فرد اخیر بوده که با دست‌نوشته کهن شاهنامه چنین معامله‌ای کرده تا بتواند گران‌تر بفروشدش. از این پس این نسخه را با نشانه «چ» نمایش خواهیم داد.

## الف. ۲. شاهنامه کوچک دوم (چ)

۲۷۹ صفحه از این نسخه - که حدس زده‌اند دو جلدی و دارای حدود ۶۰۱ یا ۶۰۲ صفحه (توسلی، ۱۳۹۳: ۶۰) و حدود ۱۰۰ نگاره (همان: ۷۲) بوده باشد - باقی مانده است؛ بنا بر این قدری کمتر از نصف متن کامل آن امروز در دست است. ۱۸۳ صفحه از این صفحات در مجموعه‌ای خصوصی در پاریس نگهداری می‌شود که از آن میکروفیلم تهیه شده است، ولی متأسفانه کوشش نگارنده برای دستیابی به این میکروفیلم از جانب دارندگان ایرانی آن تا کنون بی‌جواب مانده است و بررسی‌ها فعلاً محدود به تقریباً ۵۰ صفحه از ۹۶ صفحه دیگر است که در موزه‌های مختلف جهان پراکنده است یا در کاتالوگ‌ها معرفی شده است.

فضای متن فقط اندکی بزرگ‌تر از چ<sup>۱</sup>، یعنی ۱۵/۸ در ۱۲/۳ سانتی‌متر است (SIMPSON, 1979: 93). خط دست‌نوشته نسخیست با دور نسبتاً کم (کمی کمتر از چ<sup>۱</sup>) و بسیار پخته و خوانا و خیلی شبیه به چ<sup>۱</sup>، اگرچه شاید خط کاتب چ<sup>۱</sup> در

اهل فن نیز دشوار می‌شود. مثلاً ارنست گروب یک صفحه از چ<sup>۲</sup> را، به این علت که جدول کشی آن دست‌نخورده بوده، متعلق به چ<sup>۱</sup> دانسته‌است (GRUBE, 1962: 76). این شباهت باعث شده تقریباً همیشه این دو نسخه را متعلق به یک زمان و مکان بدانند و با هم ببرسند. همان فرضیه‌هایی که دربارهٔ زمان و مکان کتابت چ<sup>۱</sup> طرح کرده‌اند و بالاتر به آنها اشاره شد، دربارهٔ این نسخه هم مطرح شده‌است.

کاتب این نسخه قاعدهٔ ذال را اغلب رعایت می‌کند. «که» را بیشتر به همین صورت (و نه «کی») می‌نویسد. بر روی حروف مهمله خیلی اوقات علامتی هلال‌مانند می‌گذارد. گاهی «ء/ی» را بعد از مصوت‌های بلند می‌اندازد: جامه‌ها گرانمایه (جامه‌ها = جامه‌ها = جامه‌های). «خورشید» را گاه «خرشید» نوشته‌است. گاهی دُم الف چسبان را به پایین‌تر از خط کرسی می‌کشد (مثلاً در «آسمان» و «باز»). از حروف کشیده و ترکیبی (مثل چسباندن الف و هاء به دال و راء و نظایرشان) مکرر استفاده می‌کند. «دونقطه» را اغلب مایل می‌گذارد. در نقطه‌گذاری خسیس نیست، به‌خصوص در نقطه‌های شین. در انتهای مصرع گاهی بخش آخر کلمه و گاه یک کلمه کامل را بالای حروف دیگر می‌نویسد. «یی» را گاهی «ی» (بجای که بود آتش کارزار؛ رک. سینسیناتی، 1947/498) ولی اغلب با دندان و بدون نقطه می‌نویسد. گاهی «ی» الحاقی قافیه بعد از مصوت بلند را با همزه نشان می‌دهد و گاه فقط در یک مصرع: جاء/ سرای (نک. SIMPSON, 1979: Fig. 100). تمام این ویژگی‌ها را در چ<sup>۱</sup> هم می‌توان یافت و بررسی تمایزها و تفاوت‌های خط این دو نسخه خود مقاله‌ای جداگانه می‌طلبد (برای برخی تفاوت‌ها نک. توسلی، ۱۳۹۳).

بررسی متن این نسخه نشان می‌دهد که هم از نظر میزان افتادگی و به‌خصوص افزودگی و هم از نظر در برداشتن ضبط‌های کهن، احتمالاً متنی معتبرتر از چ<sup>۱</sup> است. در برخی صفحات بررسی شده به نظر می‌رسد این نسخه مجموعاً به خانوادهٔ خویشاوندی استانبول، شامل توپقاپی ۷۳۱ (نک. بالاتر)، سن‌پترزبورگ ۷۳۳ (لن در تصحیح خالقی مطلق و I در تصحیح مسکو) و دو نسخهٔ پیرو آن، سن‌پترزبورگ ۸۴۹ (لن<sup>۲</sup> در تصحیح خالقی مطلق و IV در تصحیح مسکو) و پاریس ۸۴۴ (پ در تصحیح خالقی مطلق)، کراچی ۷۵۲ (ک در آن تصحیح)، مجلس

بهترین صفحات، به‌خصوص در حروف کشیده و نون و یاهای مبسوطه و معلقه (نک. قلقشندی، ۱۹۱۴م: ۵۵ به بعد) قدری ممتاز تر به نظر می‌رسد. صفحات شش‌ستونی است و در جلد نخست نسخه (تا پایان پادشاهی کیخسرو) ۲۹ سطر و در جلد دوم (پادشاهی لهراسپ به بعد) ۳۰ سطر دارد؛ یعنی هر صفحهٔ بی‌نگاره و سرنویس، در دو جلد، به ترتیب ۸۷ و ۹۰ بیت دارد. احتمال داده‌اند که این نایکدستی به علت تغییر کاتب باشد (ibid)، ولی جز اینکه ظاهراً نمی‌توان تفاوتی اساسی بین خط دو نیمه دریافت، محتمل‌تر است که هدف از این تغییر نزدیک‌تر کردن تعداد صفحات دو جلد بوده‌باشد؛ چرا که نیمهٔ دوم شاهنامه (از لهراسپ به بعد) به‌وضوح حجیم‌تر از نیمهٔ نخست آن (تا پایان پادشاهی کیخسرو) است. البته در شرایط فعلی هم جلد دوم دست‌نوشته ظاهراً قدری حجیم‌تر شده بوده‌است (توسلی، ۱۳۹۳: ۷۵).

جدول اغلب صفحات این نسخه را در دوران اخیر دستکاری کرده‌اند، به این شکل که بین ستون‌ها، موازی خطوط منفرد سرخ اصلی و خیلی نزدیک به آنها، خطوط سرخ دیگری کشیده‌اند. جداول حاشیهٔ متن، از داخل به خارج، عبارت است از دو خط سرخ بسیار نزدیک به هم، یک خط طلای تحریردار و سپس یک خط سرخ و یک خط لاجورد. البته در بیشتر صفحات تنها داخلی‌ترین این خطوط باقی مانده‌است. در برخی موارد به این جدول‌بندی خطوط متعددی افزوده‌اند (نک. پوپ، ۱۳۹۴: ۲۰۲) و حاشیهٔ بسیاری از صفحات را با رنگ طلایی یا نقره‌ای و جوهرآبی رنگ‌آمیزی کرده‌اند. سرنویس‌ها در فضایی به اندازهٔ دو بیت نوشته شده‌است. جدول سرنویس‌ها از داخل به خارج عبارت است از یک خط طلای تحریردار، یک خط لاجورد و سرانجام دو خط سرخ باریک. در مجموع جدول کشی این نسخه ظریف‌تر و پرکارتر از چ<sup>۱</sup> است.

این نسخه را -که متعلق به ح. خان منیف بوده و احتمالاً وقتی به دست او رسیده نیز کامل و دست‌نخورده نبوده‌است- در کنار چ<sup>۱</sup> کهن‌ترین نسخه‌های مصور بازمانده از شاهنامه دانسته‌اند (SIMPSON, 1979: 65). این دو نسخه از بسیاری جهات، از قطع و خط گرفته تا نگاره‌ها، بسیار شبیه یکدیگرند، تا جایی که تشخیص صفحات این دو در مواردی حتی برای

۶۱۸۶۲ (که در هیچ تصحیحی مورد استفاده نبوده است)، لیدن ۸۴۰ (لی در همان تصحیح)، آکسفورد ۸۵۲ در نیمه دوم (آ در همان تصحیح)، برلین ۸۹۴ (ب در همان تصحیح)، ترجمه بنداری و نسخ التقاطی، و به خصوص به نسخه کراچی ۷۵۲ شباهت بیشتری دارد، ولی ابراز نظر قطعی درباره متن و جایگاه این نسخه در شبکه خویشاوندی نسخ نیازمند بررسی دقیق تر و دسترسی به صفحات بیشتری از آن است. فعلاً می توان اینقدر گفت که این دست نوشته بسیار معتبر است و قطعاً باید جزء نسخه های اساس در تصحیح شاهنامه باشد. از این پس این نسخه را با نشانه «چ» نمایش خواهیم داد.

### الف. ۳. شاهنامه کوچک متروپولیتن (شولز - گاتمن، شاهنامه کوچک سوم) (مت)

جز اشتراک در صفت «کوچک»، بین این نسخه و سه نسخه دیگر چندان شباهتی نیست. امروزه ۲۵۹ برگ از آن باقیست (MASUYA, 1994: 129) که ۲۲۰ برگش متن است و ۳۹ برگ مصورش جمعاً ۴۱ نگاره دارد. تعداد برگ های این نسخه را ۵۲۹ تا حدس زده اند، پس می توان گفت حدود نیمی از اوراق و متن شاهنامه همه در یک موزه و مرکز (موزه متروپولیتن نیویورک) باقی مانده است که جای خوشنود است. اوراق بازمانده آن از پادشاهی منوچهر آغاز می شود و تا پورانداخت ادامه دارد و حدود دوسوم آن مربوط به نیمه نخست شاهنامه است که باز مایه خوشحالیست.

برگ ها قطع رقیی کوچک دارند (میانگین ابعاد ۲۰/۳ در ۱۳ سانتی متر؛ *ibid*) و متن در ۴ ستون و ۲۵ سطر نوشته شده است، یعنی هر صفحه بدون سرنویس و نگاره ۵۰ بیت دارد. متن با خط نسخ خوانایی نوشته شده که کمی تحت تأثیر محقق است و در نسخه های موضوع این مقاله به خط نسخه های کاما و استیونس شباهتی اندک دارد.

جدول بین ابیات از دو خط طلا با تحریر شنگرف تشکیل می شود که فاصله شان از هم در قیاس با ابعاد نسخه نسبتاً زیاد است. جداول چارچوب متن شامل یک جفت خط سرخ است که بیرون آن خطی لاجوردی کشیده شده و ظاهراً در برخی صفحات خطوط سرخ و آبی و مشکی دیگری هم در ادامه جدول نگاره ها در حاشیه متن دیده می شود. هر عنوان جای دو

بیت را گرفته است. عناوین را به خط توقیع و بازر، شنگرف یا لاجورد نوشته اند. خط عناوین زر گاه تحریری سرخ، آبی یا سبز دارد. جدول سرنویس ها مانند جدول بین ستون هاست. قاب نگاره ها اغلب از متن عریض تر است و حتی از جدول حاشیه هم قدری بیرون زده است.

بر مبنای نگاره ها این نسخه را به شیراز منسوب کرده بوده اند که امروزه رد شده است. هندوستان اوایل قرن هشتم را نیز به عنوان محل نگارش نسخه مطرح کرده اند (SWIETO, 1994a: 81)، ولی سوبتوکوفسکی بر مبنای شباهت نگاره های این نسخه با نگاره های مونس الاحرار و نیز نگاره های شاهنامه ای که در آلبوم دی زی به نمایش درآمده نسخه را محصول اصفهان و حدود سال ۷۳۵ ق می داند و ظاهراً این نظر دقیق تر از سایر فرضیه ها است و آنچه در ادامه می آید نیز قرینه ای در تأیید آن فراهم می کند.

دست کم ۱۱ تا از ۴۱ نگاره موجود را از جای اصلی بریده و بر محل فعلی، روی متن شاهنامه چسبانده اند (MASUYA, 1994). وفاداری محتوای نگاره های این نسخه به متن از هر سه شاهنامه کوچک دیگر کمتر است (نک. SWIETO, 1994b). نگاره های آن از نظر تنوع رنگ و طرح بسیار جالب است و سعی نقاش در آفریدن حس عمق میدان با استعانت از قرار دادن اشیاء و شخصیت ها در پشت یکدیگر، در قیاس با نقاشی های اینجوی که همه ترکیب بندی تخت و بدون عمق دارد، نشانگر تکنیک پیشرفته تر است. نگارگر در القای حرکت، به خصوص در حالت های اسبان، نیز توفیق بیشتری داشته است. چنانکه طبق علایق محققان فرنگی می توان حدس زد، ۳۹ برگ مصور این نسخه است که بیشتر بررسی شده، نه ۲۲۰ برگ متن آن. این نسخه نخست بیش از یک قرن پیش، یعنی در سال ۱۹۱۴ م، شناسایی شده است و ابتدا مالکانی آلمانی داشته و به نام نخستین فرد از ایشان به شاهنامه «شولز» معروف بوده است و سپس تا پیش از ۱۹۲۹ م به تملک مونرو سی. گاتمن درآمده و از آن تاریخ تا سال ۱۹۷۴ م در چند مرحله به موزه متروپولیتن نیویورک منتقل شده است (SWIETOCZOWSKI, 1994a: 67).

۱. این نگاره ها با هیچ متنی همراه نیست و پشت صفحاتشان نیز سفید است، و شاید بتوان گفت نوعی الگوی نگارگری بوده است.

نتیجه‌های مهم و مفیدی حاصل می‌شود که نگارنده امیدوار است بتواند در فرصتی دیگر به آنها بپردازد. اینجا به این خلاصه اکتفا می‌کنیم که همراهی دو نسخه در افتادگی‌ها، افزودگی‌ها، جابجایی‌ها و ضبط‌های منفرد بسیار بارز و در حد همراهی نسخه‌های حاشیة ظفرنامه و نسخه کراچی است (نک. شاپوران، همان). باید بررسی بیشتری شود که معلوم شود آیا نسخه قاهره را از روی این نسخه کتابت کرده‌اند یا هر دو یک مادر نسخه دارند. با توجه به فاصله زمانی حدود شصت‌ساله این دو نسخه، هم این احتمال که نسخه قاهره را مستقیماً از روی نسخه متروپولیتن نوشته باشند و هم اینکه از مادر نسخه آن (که کمابیش کهنه شده بوده) نسخه‌برداری کرده باشند وجود دارد و هر دوی این احتمالات تقویت‌کننده فرض سویتوکوفسکی است که اصفهان را زادگاه نسخه می‌داند. با توجه به تحولات دوران آل مظفر و سپس حمله تیمور، احتمال انتقال یک نسخه از اصفهان به شیراز در نیمه دوم قرن هشتم بسیار بیشتر است تا انتقال آن از هند به شیراز. تردید نیست که در تهیه تصحیحی انتقادی از شاهنامه باید این نسخه در نظر گرفته شود و در صورت امکان مادر نسخه فرضی آن با نسخه قاهره ۷۹۶ (و نسخ دیگری که احياناً جزء این شاخه خویشاوندی باشند) بازسازی شود و آن مادر نسخه در تصحیح، به‌عنوان یکی از نسخ، مورد توجه باشد. از این پس این نسخه را با نشانه «مت» نمایش خواهیم داد.

الف. ۴. شاهنامه کوچک فری بر (کوچک چهارم) (فر)  
در بازسازی حدس زده‌اند که این دست‌نوشته احتمالاً حدود ۲۸۵ برگ (۵۷۰ صفحه) یا کمی بیشتر و ۱۰۷ نگاره یا قدری بیشتر داشته است (SIMPSON, 1979: 70, 79). ۱۹۳ برگ (حاوی ۵۹ نگاره) از این نسخه در دست است، بنابراین می‌توان گفت حدود دو سوم از متن شاهنامه نسخه را داریم که غنیمت است. اینکه در این نسخه متن شاهنامه هم از ابتدا در دست است و هم تا انتها (منهای ۵ بیت طبق ویرایش مسکو) نیز جای خشنودی است. جز ۲۳ برگ، سایر برگ‌های این نسخه در تملک نگارخانه فری بر واشنگتن است و ۴ برگ از آن در حراجی‌ها فروخته شده، بدون اینکه معلوم شود متعلق به کدام بخش از نسخه و متن بوده است.

کاتب این نسخه قاعده ذال را جز در برخی اسامی خاص (مثلاً «شیده» در 16/290/1974 پشت) رعایت نمی‌کند. «که» را تقریباً بدون تخلف به همین شکل می‌نویسد. دو نقطه‌ها را در بالای نوشته اغلب عمودی (بر روی هم) و ندرتاً مایل (سمت چپی کمی پایین‌تر) می‌گذارد و در پایین خط به صورت افقی (در کنار هم)، سه نقطه را اغلب جمع و نقطه‌ها را همیشه جدا می‌گذارد. گاه بر روی کاف انتهایی کاف کوچک کجی می‌نویسد و گاه در شکم یاء انتهایی دو نقطه می‌گذارد. «یی» را تقریباً همیشه با دندان و بدون نقطه می‌نویسد. دنبال میم انتهایی را تقریباً همیشه می‌کشد و کمتر مبسوطه و محققه (به شیوه ثلث و محقق، نک. قشقندی، ۱۹۱۴م: ۸۸، ۹۰) می‌نگارد. از حروف کشیده و بلند کم و از حروف برگشته و ترکیبی از آن هم کمتر استفاده می‌کند. «ی» نکره را بعد از «ه» غیرملفوظ اغلب به شکل همزه می‌نویسد (مثلاً 22/290/1974 پشت را ببینید). این ویژگی‌ها می‌تواند با نسخه‌ای از میانه قرن هشتم سازگار باشد.

در محدوده بررسی نگارنده، تا کنون این نسخه را در هیچ یک از پژوهش‌های فارسی مورد توجه قرار نداده‌اند و در تحقیقات غربی‌ها هم کمتر از سه نسخه کوچک دیگر محل بررسی و توجه بوده است. تنها اشاره به متن آن را در نوشته توموکو ماسویا که نسخه را بازسازی کرده است می‌توان دید. در بررسی مقدماتی معلوم است که متن این نسخه بسیار به نسخه شماره ۷۳ دارالکتب قاهره، مورخ ۷۹۶ (ق<sup>۲</sup> در تصحیح خالقی مطلق)، که کاتب آن لطف‌الله بن یحیی<sup>۱</sup> بن محمد است شباهت دارد. ماسویا نیز متوجه این شباهت شده و البته از آن نتیجه گرفته که نسخه قاهره به‌رغم تاریخ نسبتاً متأخرش، یکی از «قابل اعتمادترین» رونوشت‌های شاهنامه است، «چون بر مبنای نسخه کهن تری نوشته شده است» (MASUYA, 1994: 131). این نتیجه‌گیری را نگارنده کمابیش عجولانه می‌داند، چرا که صرف تقدّم زمانی یک نسخه باعث اعتبار آن نمی‌شود؛ وانگهی مت از نظر تاریخی نیز کمابیش هم‌زمان با نسخه سن پترزبورگ ۷۳۳ است که بالاتر به آن اشاره شد، و جزء نسخ بسیار کهن نیست، ولی البته از این شباهت

۱. این نام را ماسویا محیا mahyā نوشته است (MASUYA, 1994: 131). احتمالاً تحت تأثیر اشتباه خالقی مطلق که آن را «محبی» خوانده است (خالقی مطلق، ۱۳۶۴: ۳۸۸).



قطع صفحات نزدیک به وزیری بزرگ (نک. صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۱: ۲۲۱) به صورت متوسط ۳۰/۵ در ۲۱/۷ سانتی‌متر است. متن در کادری به ابعاد متوسط ۲۴/۵ در ۱۷/۵ سانتی‌متر نوشته شده است، در شش ستون ۳۱ سطری، که یعنی در هر صفحه‌ای که سرنویس و نگاره نداشته باشد ۹۳ بیت هست. خط متن نسخی است متوسط با تأثراتی از تعلیق و با ارتفاع کم، که اصلاً به زیبایی چ<sup>۱</sup> و چ<sup>۲</sup> نیست و مجموعاً حتی خط نسخه مت هم بر آن برتری دارد. جداول بین ستون‌ها دو خط منفرد سرخ است با فاصله‌ای حدود ۰/۴ سانتی‌متر (SIMPSON, 1979: 58) و جدول حاشیه متن و جدول عناوین دو خط سرخ بسیار نزدیک به هم. هر عنوان جای دو بیت را گرفته است. عناوین به زر حل نوشته و با مرکب سیاه دورنویسی شده است و جای معدودی از سرنویس‌ها خالی مانده که بعدها با خط زرین روشن‌تری نوشته شده است. خط سرنویس‌ها هم نسخ است و مجموعاً بر خط متن برتری دارد، ولی باز چندان ممتاز نیست. نگاره‌ها نسبتاً به ندرت از کادر بیرون زده‌اند. جدول نگاره‌ها، از داخل به بیرون، شامل یک یا دو خط سیاه بسیار نزدیک به نگاره و بلکه روی رنگ‌های آن، سپس یک خط/ دو خط سرخ باریک تقریباً چسبیده به خط سیاه بیرونی، آنگاه یک خط پهن‌تر لاجوردی/ سرمه‌ای، و عاقبت دو خط سرخ دیگر است.

در قیاس با سایر نسخه‌هایی که بابت نگاره‌هایشان چندپاره شده‌اند، صفحات این نسخه را کمتر دستکاری کرده‌اند و فقط در صفحاتی انگشت‌شمار نگاره‌ای را از جای خود بریده و در صفحه دیگری چسبانده‌اند، یا پشت و روی یک برگ را جدا و بدل به دو برگ (دوپوست) کرده‌اند. این نسخه را هاکوپ کورکیان در سه بخش در سال‌های ۱۹۲۹، ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م به نگارخانه فری‌یر واگذار کرده است (ibid: 55) و در برگ‌های ۲۱ و ۱۶۹ پ آن مهر خروج گمرک ایران به تاریخ ۱۳۰۷ [ش] هست که نشان می‌دهد نسخه اولاً مستقیماً از ایران به دست دل‌ال ارمنی‌الاصل رسیده است (ibid: 56) و ثانیاً دیرتر از اغلب نسخه‌های مشابهش از کشور خارج شده است. چنانکه پیشتر آمد، صفحه آغازین متن این نسخه در دست است و از دیباچه‌ی منثور در آن نشانی نیست. هرچند محال نیست که این نسخه دیباچه داشته بوده باشد، احتمال آن زیاد

نیست، چرا که در نسخه‌ای با این تعداد نگاره قاعدتاً دیباچه هم نگاره‌ای می‌داشت و در این صورت احتمالاً دل‌الان و فروشندگان نسخه‌ها دست کم آن صفحه نگاره‌دار را حفظ می‌کردند، مگر اینکه بگویم دیباچه پیش از رسیدن نسخه به دست واپسین مالکان و دل‌الان از بین رفته است.

اگرچه این نسخه را دو دهه‌ای متأخر از چ<sup>۱</sup> و چ<sup>۲</sup> دانسته‌اند (نک. ADAMOVA, 2008: 28-29) خط این نسخه به نظر نگارنده نشانه‌های کهنگی را بیش از هر سه نسخه دیگر موسوم به «کوچک» داراست. در این نسخه قاعده ذال تقریباً همیشه (جز در مورد حروف ترکیبی و اسامی خاص ناآشنا که گاه جامی افتد) رعایت می‌شود و جالب است که گرچه کاتب بسیاری از نقطه‌ها را نمی‌نویسد، ندرتاً نقطه ذال عجم را فرومی‌گذارد (آیا این نشانه تأکید بر یک سنت ادبی نیست، در حالی که از تداول زبان مردم حذف شده بوده یا در حال ناپدید شدن بوده است؟). «که» را تقریباً همیشه «کی» می‌نویسد و «آنکه» و «هرچه» و مانند آن را اغلب «آنک» و «هرج» و مانند آن. «یی» را تقریباً همیشه با دندان و بی نقطه می‌نویسد. سرکش کاف را گاه با تقعر رو به بالا و گاه با گذر از سر حرف و گاه کمی پایین‌تر از آن می‌نگارد. حروف ترکیبی (مثل چسباندن دال به الف در «پادشاه» و هاء به دال در «دیده») و یاء برگشته فراوان دارد. ندرتاً دنبال الف چسبان را به زیر خط کرسی می‌آورد (مثلاً در «باز») و حروف تک‌دندانه را (مثل باء در «بر») و «بذ» به کزات کشیده می‌نویسد.

برخی روایات احتمالاً الحاقی که در برخی نسخ نیست، مثل داستان‌های «رفتن رستم به دژ سپند» و «کشتن رستم پیل سپید را» در این نسخه هست. آنچه اهمیت فراوان دارد خویشاوندی نزدیک این نسخه در بخش اعظم متن شاهنامه با نسخه لندن ۶۷۵ و قاهره ۷۴۱ (و نسخه‌های پیرو آنها) است که نگارنده در نوشته مستقلاً بدان پرداخته است و تفصیل موضوع و نتایج آن را بدان نوشته وامی‌گذارد. از این پس این نسخه را با نشانه «فر» نمایش خواهیم داد.

### ب. دیگر نسخه‌ها

#### ب. ۱. شاهنامه کاما (کا)

این نسخه شاهنامه وضعیتی غریبی دارد: پس از چند سال اولی که آقای مهدی غروی، معاون وقت رایزن فرهنگی ایران

قطع کاغذ نسخه ظاهراً در ابتدا وزیری بزرگ (۳۰ در ۲۰ سانتی متر نزدیک به فر) بوده است. چارلز ملویل ابعاد دو صفحه از آن را ۲۹/۵ در ۱۹/۴ و ۲۸/۴ در ۱۸/۵ سانتی متر گزارش کرده (MELVILLE, 2014) ولی غروی ابعاد صفحات را ۲۹ در ۲۴ سانتی متر گفته است (غروی، ۱۳۵۲: ۴۱) که هم نسبت اضلاعش با صفحات موجود سازگار نیست و هم قطع رایجی در نسخ خطی نیست. خط دست‌نوشته نسخی است ایرانی و پخته که رگه‌هایی از محقق در آن هست و یکدستی آن نشان می‌دهد اثر دست کاتبی ورزیده است. هر صفحه تا پایان داستان سیاوش ۲۵ سطر و از آن پس اغلب ۲۴ سطر و ۴ ستون دارد؛ بنابراین در صفحه‌ای که سرنویس و نگاره نباشد ۵۰ یا ۴۸ بیت هست. بر تکه کاغذی در ابتدای نسخه ماشین‌نویسی شده است:

Shahnameh belonging to Mr. Peshtonjee Dastur of  
Bulsar

سپس با دست افزوده‌اند (کذا، بدون the):

Said to be oldest copy

جدول بین ستون‌ها دو جفت خط سرخ (ظاهراً شنگرف) موازی است که بینشان فاصله نسبتاً زیادی هست. جدول حاشیه متن نیز از یک جفت خط سرخ موازی مانند جدول بین ستون‌ها تشکیل شده و نگاره‌ها نیز فقط با یک جفت خط موازی سرخ جدول‌کشی شده است. عناوین اغلب جای دو بیت را گرفته‌اند و به خط توقیعند و یا به سیاهی نوشته شده و اعراب و نقطه‌هایشان با شنگرف گذاشته شده است، یا رنگی نوشته شده‌اند (متأسفانه معلوم نیست با چه رنگی، ولی احتمالاً شنگرف). از چهار مجلس تصویر رنگی که نگارنده مشاهده کرده است دو تا بر زمینه سرخ و دو تای دیگر بر زمینه طلایی کشیده شده است. چهره‌ها به وضوح سلجوقی هستند و اغلب بر گرد سر هاله نور دارند. لباس‌ها چین‌های ساده دارد ولی پارچه‌ها طرح‌دار است. عنصر بصری فرعی زینتی یا نشان‌دهنده عمق در نگاره‌ها نیست و ترکیب‌بندی تخت است و پیکره‌ها تقریباً تمام تصویر را پر کرده‌اند. رنگ اسب‌ها و جامه‌ها ظاهراً بسیار نازک بوده، چنانکه در بعضی نگاره‌ها پاک شده یا ریخته است. دو مشخصه اخیر و رنگ زمینه سرخ در مکتب نقاشی اینجوی شیراز هم دیده می‌شود، ولی موارد دیگر خام‌تر و مشخصاً نشانه زمان کهن‌تر است.

در هند به آن دسترس داشته (و همونخستین کسی است که از این نسخه خبر داده (نک. غروی، ۱۳۵۲) و از شعف مرحوم مینوی از دیدن این نسخه و بیانات ایشان - که نقاشی‌های این نسخه از نفوذ و تأثیر دوران مغول برکنار است - گفته و ظاهراً از سوی ایشان مسئول بازسازی و مرتب کردن صفحات این نسخه شده است) مفقود شده یا دست‌کم در دسترس و ظاهراً دیگر در موزه کتابخانه کاما نیست. همین امر باعث شده که امروزه تقریباً هیچ عکس رنگی‌ای از آن در دسترس نباشد، تا به دیدن خود نسخه چه رسد! ناشناخته بودن نسخه تا دهه ۵۰ خورشیدی و ناپدید شدنش از دهه ۶۰ باعث شده در تحقیقات غربی‌ها تقریباً اثری از آن نباشد. در نوشته‌های ایرانیان نیز متن و با یک استثنا نگاره‌های آن بررسی علمی درستی نشده است. شادروان مینوی میکروفیلمی از این نسخه برای بنیاد شاهنامه تهیه کرده که هر چند سیاه و سفید و بسیار بی‌کیفیت است، امروز در نبود نسخه غنیمتی بزرگ و تقریباً تنها منبع موجود برای شناخت آن است. خوشبختانه نگارنده با خبر شد که چهار برگ از این نسخه «توسط بازماندگان آقای غروی» به کالج پمبروک کمبریج امانت داده شده و عکس‌های رنگی این چهار برگ در ارزیابی وضعیت نسخه در این نوشته به نگارنده کمک کرده است.<sup>۱</sup>

به نوشته غروی (همان: ۴۳) از این نسخه ۳۰۹ برگ حاوی ۴۵ نگاره باقی بوده، ولی ظاهراً میکروفیلم موجود حاوی ۶۰۰ صفحه و ۴۵ نگاره است و چند برگ از نسخه در آن نیست. چهار برگ کالج پمبروک (حاوی ۴ نگاره) و یکی از دو نگاره مقاله غروی در این میکروفیلم نیست، که یعنی نگاره‌ها دست‌کم ۵۰ تا بوده است.<sup>۲</sup> صفحات آغازی و پایانی شاهنامه در این نسخه باقی مانده، البته با آسیب‌های فراوان. برگ‌های این نسخه از اطراف و میانه دچار پوسیدگی شدید شده و برخی جاها بخشی از صفحات گسسته و ریخته است و استفاده از تمام مساحت اوراق راحت نیست و گرچه حدود دوسوم برگ‌های نسخه در میکروفیلم هست، شاید حدود نیمی از ابیات شاهنامه واقعاً قابل استفاده باشد.

۱. از دوست گرامی، خانم شیوا میهن، ممنونم که مرا از وجود این برگ‌ها آگاه کردند.  
۲. تصویر هشتاد و هشتم از بخش نخست فایل این میکروفیلم حاوی مجلسی آغازینی است که یک نفر با خودکار آبی رویش نوشته «کاما»! ولی شک نیست که صفحه آغازین متن شاهنامه از نسخه توقیعی ۷۳۱ است! نگارنده نمی‌داند این تصویر از کجا به میکروفیلم راه یافته است.

غروی، در مقاله یادشده، تاریخ نسخه را بر مبنای گفته مرحوم مینوی در باب بری بودن نگاره‌ها از نفوذ عناصر مغولی، پیش از حمله چنگیز حدس زده است (گرچه آغاز نفوذ نقاشی چینی و مغولی در ایران در واقع از میانه عصر ایلخانی شروع می‌شود، نه بلافاصله پس از ورود سربازان مغول به ورارود). همو در مقاله‌ای دیگر که در مجموعه سخنرانی‌های دومین جشن طوس چاپ شده است (غروی، ۲۵۳۶) با تکرار اطلاعات مقاله پیشین، مقایسه‌ای هم میان نگاره‌ها و خط نسخه کاما با چند نسخه کهن (که آنها را چنین معرفی کرده است: شاهنامه‌ای که در نمایشگاه لندن ۱۹۳۱ به نمایش درآمده (که احتمالاً نسخه قوام‌الدین حسن است (نک. نسخه ب. ۲ در همین مقاله) یا کوچک اول)، شاهنامه‌های دموت، توپ‌قاپی ۷۳۱ و شاهنامه کوچک متروپولیتن (که آن را «مونروئه گاتمن» می‌نامد و تاریخش را ۷۴۱ عنوان می‌کند، که بی‌گمان ناشی از خلطی است که بین آن نسخه و شاهنامه قوام‌الدین حسن وزیر به او دست داده است) و شاهنامه استیفنس (نک. نسخه ب. ۳ در همین مقاله) که فقط اشاره‌ای به آن می‌کند) نتیجه می‌گیرد که نسخه کاما از تمام این نسخ قدیم‌تر است. البته آنچه غروی در این مقاله، در رسم الخط نسخه، درباره سرکش کاف و نقطه یاء تنها گفته (همان: ۵۲) و آنچه درباره هاله نور در نقاشی‌ها مطرح کرده (همان: ۵۰، ۵۳) درست و حائز اهمیت است.

سال‌ها بعد، شریف‌زاده در مقاله‌ای پس از توضیحاتی درباره هنر سلجوقی، به بررسی شاهنامه کاما پرداخته است (شریف زاده، ۱۳۹۲). اطلاعات نسخه‌شناسی این مقاله از بی‌دقتی خالی نیست (مثلاً نک. ص ۱۴ که نسخه ورقه و گلشاه را «مصورشده» در اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ می‌داند- که قاعداً منظور «سروده این تاریخ» است- ولی در صفحه بعد آن را به سال ۵۹۶ منتسب می‌کند؛ یا ص ۹ که مقاله ۱۳۵۲ غروی را تنها مقاله نوشته‌شده درباره نسخه کاما می‌نامد) و گاه تکرار داده‌های مقاله غروی است. شریف‌زاده عاقبت نسخه کاما را بر مبنای بررسی نگاره‌ها قدیم‌تر از سمک عیار و ورقه و گلشاه (یعنی کهن‌تر از حدود ۶۰۰ ق) می‌داند.

بررسی عباچی، فهیمی فرو و طاووسی دقیق‌تر است. ایشان با بررسی تطبیقی نسخه کاما و ورقه و گلشاه نتیجه گرفته‌اند که هردو به یک مکتب (سلجوقی) تعلق دارند، ولی نگاره‌های نسخه کاما پخته‌تر و انطباق متن و تصویر آن منسجم‌تر از ورقه و گلشاه است (عباچی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۶). ایشان نظر شیلا کنبی (را درباره تعلق برخی ویژگی‌های تصویری، مثل کشیدن فقط نیمه از پیکر

اسبان و قرار گرفتن نیمه از پیکر بیرون از کادر، به دوران مغول و اینجو) با استناد به نسخه کاما رد می‌کنند (همان: ۶۷، ۶۸) و نسبت‌های تصویری، مایه‌های رنگی و طراحی کادر تصویر را دارای ریشه در هنر مانوی و اشکانی معرفی می‌کنند و متفاوت با نگاره‌های اینجوی و کهن‌تر می‌دانند (همان: ۷۳).

جلال خالقی مطلق، در آغاز کار تصحیح شاهنامه، این نسخه را مختصراً معرفی کرده و پس از اینکه تعداد سطور را در تمام نسخه ۲۵ سطر دانسته، نوشته است:

ویژگی‌های رسم‌الخط این دستنویس نشان می‌دهد که تاریخ آن از نیمه نخستین یا ثلث نخستین سده هشتم تازه‌تر نیست. (خالقی مطلق، ۱۳۶۴: ۳۸۹)

سپس اعتبار آن را از این تاریخ هم کمتر دانسته (همانجا) و با ذکر اینکه «بنده از فن شریف تصویرشناسی سررشته ندارم و به چشم من همه نقاشی‌ها یک شکل‌اند» (همانجا) احتمال داده که «یک نفر نخست تصویرهای کتاب را کشیده و صد سال بعد یک نفر دیگر آن را کتابت کرده است» (همان: ۳۹۰).

در تصحیح‌های «بنیاد شاهنامه»، از این نسخه (بدون نوشتن ارزیابی دقیق) استفاده کرده‌اند و البته متن آن را چندان معتبر ندانسته‌اند، که تحلیل علت آن موضوع این نوشته نیست.

در «پروژه شاهنامه دانشگاه کمبریج»، چارلز ملویل با استناد به زمینه‌سرخ برخی نگاره‌ها و نگونسار بودن پیکر قربانی و اشاراتی کلی، نتیجه گرفته که نگاره‌ها از اوایل قرن هشتم است (MELVILLE, 2014).

کاتب این متن «که» را حتماً «کی» می‌نویسد و قاعده ذال را همیشه رعایت می‌کند. کلاً در نقطه‌گذاری چندان بخیل نیست. «چه» را گاه به لغت بعد می‌چسباند: «کجون» (= که چون). «را» را به کزات به لغت قبل چسبانده است (روانرا). در شکم یاء و ندرتاً زیر آن دو نقطه می‌گذارد. در لغاتی مانند «رفت» و «بیدار» نقطه‌ها را به شکل سه‌نقطه جمع می‌نویسد و سه‌نقطه زیر خط را هم، با چند استثنا، مثل بالای خط می‌نگارد (یک نقطه بالا و دو نقطه پایین). سرکش کاف را به وسط جزء ایستاده آن و حتی گاه به نیمه پایین آن می‌رساند و عمدتاً با قدری فاصله از آن تمام می‌کند. خصایص این خط را می‌توان در نسخه‌هایی از میانه قرن ۶ تا آغاز قرن ۸ یافت. نحوه نوشتن سرکش کاف و نبود حروف ترکیبی در این نسخه یادآور

یک- دو ضبط برتر آن، در قیاس با تصحیح قزوینی از این دیباچه، اشاره کرده است (خالقی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۴۸). در ادامه به مقدمه میانه و سپس فهرست شاهان و عاقبت هجوتامه می رسد و سپس شمسه هشت نعل زیبا و زرینی دارد که تقدیم نامه را در بر دارد. این نسخه دو رقم تاریخ دارد. ماریانا شریو سیمپسون پس از اشاره ای درست به اینکه گرچه در نوشته های پیش از او به این دو رقم اشاره شده است، اغلب این اشارات «هر چند غلط نیستند نه دقیقند و نه کامل» (SIMPSON, 2000: 218)، از ترنج آغازین نسخه عباراتی نقل کرده که دو اشتباه دارد:

برای کتابخانه (درست: کتب خانه) حاجی قوام در آخر (درست: اواخر) رمضان تهیه شده است. (ibid)

طبق ترقیمه کتابت نسخه در بیستم ذی القعدة خاتمه پذیرفته است.<sup>۲</sup> کاتب نسخه حسن بن محمد بن علی بن حسینی مشتهر بموصلی است.<sup>۳</sup> در دو صفحه نخست متن دو بیت از خسرو و شیرین در بالا و پایین صفحات نوشته شده و هر بیت در دو صفحه: مصرع نخست در صفحه سمت راست و مصرع دوم در صفحه سمت چپ. در بالا: «بنام آنک هستی نام ازو یافت/ فلک جنبش زمین آرام ازو یافت» و در پایین: «تعالی الله یکی بی مثل و مانند/ کی خوانندش خداوندان خداوند». این دست نوشته برای کتابخانه حاجی قوام (د. ۷۵۴ق)، از رؤوس معروف شیراز در دوران اینجویان و ممدوح محبوب حافظ، تهیه شده است (و بعید نیست که

۲. متن شمسها چنین است: «برسم کتب خانه معموره صاحب معظم دستور مکرم... مفخر فارس... واسع الجود والمروة حاتم الثاني محب الصالحين ملجا الفقرا والمساكين حاجی قوام الدولة والدین ادام الله علوه وفي الخیرات رقیقه و رحم اسلافه و رحم الله [پاک شده: الذی؟] قال امینا» و در شمسه سمت چپ: «کتاب شاهنامه از گفتار ملک الحکما سلطان شعرا ابوالقاسم محمد (کذا) الفردوسی الطوسی رحمة الله علیه فی اواخر شهر الله المبارک رمضان عمّت میامنه [فی] سنة احدى و اربعین و سبعماية الهجریه و صلی الله علی محمد و اله الطیبین الطاهرین اجمعین و سلم تسلیما».

۳. در انجامه پایان نسخه که در کتابخانه صدرالدین آقاخان محفوظ است آمده «کتاب شاهنامه بفرخی و فیروزی علی ید اضعف عباد الله تعالی و احوجهم حسن بن محمد بن علی بن حسینی مشتهر بموصلی (لغات مشخص شده ظاهراً با مرگی پررنگ تر و خطی متفاوت با همین انجامه، در نقطه گذاری و نگارش بعضی حروف مثل یاء برگشته و نون، نوشته شده است) اصلح الله عاقبتی فی یوم الاثنین عشرین ذی قعدة سنه [احدی؟] و اربعین و سبعماية الهجریه اللهم اغفر لصاحبه و لکاتبه و لقاریه و لمن نظر به... (ناخوانا) و صل علی خیر خلقه محمد... [پاک شده، ظاهراً: و آله الطیبین الطاهرین اجمعین] و سلم تسلیما داوما ابدا کثیرا و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع والمآب».

نسخه فلورانس است. مجموع ویژگی های این خط باعث می شود بتوان حدود اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم را برای آن پیشنهاد کرد و این با آنچه در باره نگاره های آن گفته اند (که بعد از ورقه و گلشاه و قبل از نسخ ایلخانی و اینجوی کشیده شده) سازگار است و می توان با احتیاط «ربع آخر قرن هفتم و ربع اول قرن هشتم» را به عنوان تاریخ این نسخه پیشنهاد کرد. متن این نسخه در یک کلام جزء خانواده خویشاوندی شیراز قرار می گیرد و عموماً با نسخه توپقاپی ۷۳۱ و زیرمجموعه های آن همراهی بیشتری دارد. نگارنده امیدوار است در آینده بتواند تحلیل دقیق تری از این نسخه و متن آن، توأم با بازسازی وضعیت ابتدایی آن، عرضه کند.

از این پس این نسخه را با نشانه «کا» نمایش خواهیم داد.

ب. ۲. شاهنامه حاجی قوام (قوام الدین حسن وزیر، شاهنامه چستریتی) (حا)

۱۸۷ برگ از این نسخه، که حدس می زند در اصل دارای ۳۲۵ برگ بوده (SIMPSON, 2000: 220) باقی مانده است، یعنی حدود دوسوم متن شاهنامه، که جای خوشحالی است. ۸۵ برگ از اوراق این دست نوشته در کتابخانه چستریتی دبلین است و ۱۰۲ برگ دیگر در ۳۵ مجموعه مختلف پراکنده است (ibid: 236-245). ابتدا و انتهای متن شاهنامه و بخشی از دیباچه منثور و مجلس ها و شمسها و ترنج های ابتدای نسخه هم باقی مانده است و بررسی آنها اطلاعات مهمی به ما می دهد که در ادامه طرح خواهد شد. النور سیمز تعداد ابیات آن را، در زمانی که کامل بوده، حدود ۵۸۱۴۰ بیت (کمی کمتر) حدس زده است (SIMS, 2006: 272) که نزدیک به ابیات نسخه توپقاپی ۷۳۱ است و اگر پذیرفته شود، نشانه وجود ابیات الحاقی فراوان در آن است.<sup>۱</sup>

از دیباچه شاهنامه ای که در این نسخه بوده صفحاتی بازمانده که با «سپاس و آفرین خدایرا جل جلاله کی این جهان و آن جهان آفرید و مابندگان را اندر جهان بدید آورد...» شروع می شود، که همان دیباچه کهن است و جلال خالقی مطلق به

۱. نسخه توپقاپی ۷۳۱ (س در تصحیح خالقی مطلق) اگرچه نسخه بسیار معتبری است و هم ضبط های کهن و درست فراوان دارد و هم ابیات افتاده اش خیلی کم است، ابیات الحاقی بسیار دارد (نک. خالقی مطلق، ۱۳۸۵). به واقع تشابه به این نسخه در هر جنبه ای برای دست نوشته های دیگر نقطه قوت است، مگر در تعداد ابیات!

روزی حافظ و خواجه و عبید هم بر آن دست سوده باشند).<sup>۱</sup> معلوم است که این نسخه را در هنگامی تدوین کرده‌اند که امیر پیرحسین به تازگی دوباره حاکم شیراز شده بوده و حاجی قوام در این زمان وزارت نداشته است، چرا که امیر پیرحسین در ۲۶ ربیع‌الاول سال ۷۴۱ شهر را در حصار گرفته و پنجاه روز بعد با مصالحه وارد شهر شده و یک سال و هشت ماه حکومت کرده است (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۰۶). به همین علت بهتر است آن را نسخه حاجی قوام بخوانیم و نه، چنانکه در غالب نوشته‌های غربی می‌گویند، نسخه قوام‌الدین حسن وزیر.

اندازه صفحات نزدیک به قطع سلطانی، یعنی ۳۷ در ۳۰ سانتی‌متر و تقریباً هم اندازه نسخه تویقایی (۷۳۱: SIMS, 2006: 270) و ابعاد نوشته ۲۸ در ۲۴ سانتی‌متر است. هر صفحه شش ستون و ۳۰ سطر دارد، یعنی بدون سرنویس و نگاره در هر صفحه ۹۰ بیت هست. خط نسخه نسخی است پخته با تأثراتی از ثلث و تعلیق. سرنویس‌ها به خط توقیع است که یا با سنگرف نوشته شده و تحریر سیاه دارد یا برعکس. گاه هم خط سبز است و تحریر سیاه دارد. سرنویس‌های دو صفحه نخست متن بر زمینه‌ای زرین احتمالاً با نقره (گرچه اطمینان از این نکته نیازمند دیدن خود نسخه است) نوشته شده بوده‌اند و امروزه سیاه شده‌اند. سرنویس‌ها اغلب جای دو بیت و گاه سه و ندرتاً یک بیت را می‌گیرند و همیشه عرضی به اندازه دو ستون دارند و تفاوتشان در ارتفاع است. بین ستون‌ها دو جفت خط سرخ کشیده شده و حاشیه متن جز یک جفت خط سرخ، خط تیره دیگری هم دارد که حال کاملاً کم‌رنگ و گاه پاک شده است.

این دست‌نوشته - که تنها نسخه از نسخ این مقاله است که توسط شاهنامه‌شناسان به فارسی معرفی و ارزیابی شده - از نظر تاریخ هنر اهمیت به‌سزایی دارد؛ چرا که شناخت مکتب نگارگری اینجوی شیراز بر پایه این نسخه ممکن شده است. پیش از سایر نسخ این مکتب، از جمله نسخه تویقایی، ۷۳۱،

۱. حاجی قوام - که مالیات فارس را در مقاطعه داشت - (غنی، ۱۳۶۶: ۱۳۹) فردی فرهنگ‌پرور و علاقه‌مند به تاریخ بوده است. جز مدایح حافظ و سایر شعرا برای او، مؤلف شیرازنامه هم - که به نوعی تاریخ فارس است - کتاب خود را به او تقدیم کرده و او را از فضل برمکی و حاتم در کرم بالاتر شمرده است (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۵) و این نسخه شاهنامه - که در آن دوران تاریخ ایران شمرده می‌شده - هم نشان می‌دهد که او حامی هنر و علاقه‌مند به آثار تاریخی بوده است.

سن پترزبورگ ۷۳۳ و شاهنامه استیونس (نک. پایین)، این نسخه شناخته شده و صفحاتی از آن به نمایش درآمده و بررسی شده است. نخست اشتوکین (شوکی، اسچوکین) به این نسخه و مکتب نگارگری اینجوی شیراز اشاره کرده (STCHOUKINE, 1936, 93)، سپس تقریباً هیچ نوشته‌ای، از کتاب و مقاله، نیست که درباره نگارگری ایرانی، علی‌الخصوص در قرن هشتم، نوشته شده باشد و از اشاره‌ای به این نسخه خالی باشد (برای آشنایی با برخی از این نوشته‌ها رک. SIMPSON, 2000: 236 footnote 3). این نسخه تا سال ۱۹۱۹ از ایران خارج شده و به دست دیگران کلکیان، دلال ارمنی، رسیده است و ظاهراً شخصی به نام دکتر رفیع یا رافع آن را به او فروخته است (ibid: footnote 1). آیا این شخص دکتر رفیع خان امین، رجل دوره مشروطه، است یا شخصی دیگر یا اصلاً «رافی» یک نام ارمنی است؟ با معلومات فعلی نمی‌توان به این سؤال پاسخ گفت.

خالقی مطلق، که بیشتر در سال ۱۳۶۴ بخشی از این نسخه را که در کتابخانه چستربیتی دوبلین محفوظ است مختصراً معرفی کرده بود و گفته بود که «در کهنگی این دستنویس جای گمانی نیست» (خالقی مطلق، ۱۳۶۴: ۳۸۵)، سه دهه بعد در ذیل مقدمه‌ای درباره نسخه «که هنوز مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته‌اند» (همو، ۱۳۹۵: ۱۴۵) در حدود سه صفحه به بررسی آن پرداخته و آن را کم‌اعتبار خوانده است (همانجا؛ در مقاله اخیر این نسخه سهواً «به خط قوام‌الدین حسن» گفته شده و نویسنده پس از آن به آنکه کاتب نسخه شناخته نیست اشاره کرده است) و تاریخ و محل کتابت را از فهرست کتابخانه نقل کرده و گفته است «به گمان نگارنده هم خط دستنویس و هم اعتبار اندک متن آن، تاریخ یادشده را مشکوک می‌کند» (همانجا). سابقه بررسی‌های این نسخه در منابع غیرایرانی و سایر اوراق این نسخه که در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های مختلف جهان پراکنده‌اند (و بر روی هم حجمی بیش از بخش محفوظ در چستربیتی دارند) و از جمله دو صفحه حاوی تاریخ در ابتدا و انتهای نسخه، که بیشتر ذکرشان آمد، داوری خالقی مطلق درباره این نسخه را زیر سؤال می‌برند. گذشته از این، خط نسخه نسخی است که از اواخر قرن هفتم تا نیمه قرن هشتم نمونه و شبیه دارد. علی صفری آق‌قلعه خط نسخه سن‌ژوزف را - که تاریخ حدود ۷۰۰ را برایش حدس زده‌اند - شبیه این نسخه دانسته است (صفری

## ب. ۳. شاهنامه استیونس (استیفس)

طبق کاتالوگ حراج ساتبی، از این نسخه ۳۲۲ برگ (Sotheby's, 2006: 273 & SIMS, 1998) باقی مانده است. در نمایشگاه لندن ۱۹۳۱ م، تعداد برگ‌ها ۳۳۴ عدد بوده و در زمانی حدود نیم قرن دست‌کم ۱۲ برگ از نسخه جدا شده است. گفته‌اند این نسخه عمدتاً دست‌نخورده است (سیمپسون، ۱۳۸۸: ۲۲)، ولی نگارنده طبق محاسبه‌ای حدس می‌زند چیزی حدود ۲۰ درصد از متن شاهنامه، در وضعیت فعلی نسخه، و حدود ۱۶ تا ۱۷ درصد از متن شاهنامه، در وضعیت به‌نمایش درآمده در سال ۱۹۳۱ افتاده باشد.<sup>۱</sup> ظاهراً، اگر تمام اطلاعات را ترکیب کنیم، تعداد نگاره‌های موجود از نسخه ۱۱۰ عدد یا بیشتر است، ولی طبق نوشته‌ال ن رایت، این نسخه ۱۰۵ نگاره دارد و یک مجلس افتتاحیه دو صفحه‌ای (مانند اغلب نسخ نیمه نخست قرن ۸ و تقریباً تمام نسخ مصور شیراز) نیز دارد (WRIGHT, 2006: 257). تاریخ آن را ۷۵۳ ق یا قدری پیش از آن گفته‌اند (نک. پایین).

نخستین بخش بازمانده از این نسخه بخشی از مقدمه کهن است (SIMPSON, 2000: 224) و درباره صفحه آخر آن اطلاعاتی در دست نیست. این نسخه در سه دهه گذشته دست‌کم چهار بار در حراج ساتبی به فروش رفته (SIMS, 2006) و ظاهراً بخش اعظم و یکپارچه آن در تملک خانواده ابراهیمی است و فعلاً به‌طور امانت بلندمدت به نگارخانه آرتور سکالر موزه اسمیتسونین آمریکا سپرده شده است (WRIGHT, 2006: 254).

ابعاد کاغذ متن ۲۹۱ در ۲۱۰ میلی‌متر (یعنی قطع وزیری بزرگ، نزدیک به کا و فر) است (SIMS, 2006). خط متن نسخی است خوانا، از نوع نسخ نیمه نخست قرن هشتم. در بعضی جاها اثر قلم صاحبان بعدی نسخه که خواسته‌اند لغات پاک شده را

۱. هر نگاره به‌طور متوسط حدود ۱۲ سطر از این نسخه ارتفاع دارد و تقریباً تمام نگاره‌ها تمام عرض صفحه را می‌گیرند؛ پس ۱۰۸ نگاره حدوداً ۳۶ صفحه (۱۸ برگ) از فضای متن را می‌گیرد و در ۳۳۴ برگ موجود ابتدایی این نسخه، به‌قدر ۳۱۶ برگ (۶۳۲ صفحه) بیت هست. هر صفحه بدون نگاره و عنوان، چنانکه آمده است، ۶۶ بیت دارد؛ پس قاعدتاً در این نسخه ۴۱۷۱۲ بیت یا کمی کمتر (به‌خاطر سرنویس‌ها) از متن شاهنامه هست. اگر سایر صفحات این نسخه هم در افتادگی و افزودگی‌ها مانند صفحاتی باشند که نگارنده دیده است، این شاهنامه باید در زمان نگارش حدود ۵۰۰۰ بیت یا کمی کمتر داشته بوده باشد، پس حدود ۸۳/۴ درصد ابیات شاهنامه در ۳۳۴ برگ موجود باقی مانده است. در ۳۲۲ برگ موجود فعلی با ۱۰۵ نگاره هم، بر مبنای محاسبه مشابه، حداکثر حدود ۱۹۴،۴۰ یعنی قدری بیش از ۸۰ درصد متن شاهنامه، در دست خواهد بود.

آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۱۱۱) و بر آن مبنا احتمال داده است که نسخه سن‌ژوزف را در شیراز نوشته باشند. هرچند نگارنده در اینکه بتوان از این شباهت نسبی چنین نتیجه‌ای درباره محل کتابت نسخه سن‌ژوزف گرفت تردید دارد، در اینکه خط این نسخه از جهاتی به نسخه سن‌ژوزف و از جهات دیگری، به‌خصوص در سرنویس‌ها، به نسخه تویقایی ۷۳۱ شباهت دارد شک نیست؛ ضمن اینکه هرچند ترکیب خطاطی مصرع در این نسخه متفاوت است، کاتب آن در نگارش حروف برخی شباهت‌ها را با کاتبان نسخه‌های چ<sup>۱</sup> و چ<sup>۲</sup> (به‌خصوص دومی) نشان می‌دهد. این کاتب قاعده دال را تقریباً همیشه رعایت می‌کند و «که» را تقریباً همیشه «کی» می‌نویسد. حروف کشیده را فراوان و بیش از تمام نسخ این مقاله به کار می‌برد و برخی حروف را ترکیب می‌کند (بیش از همه هاء را، که گاه گرد و در امتداد قلم دال و راء می‌نویسد). نوشتن سین بی‌دندان در آن رایج است، و هم در انتهای مصرع و هم در میانه آن گاه حروف آخر لغات را بالای سایر حروف می‌نگارد.

خالقی مطلق، پیش از معرفی ضبط‌های مهمی که هنگام مطالعه نسخه یادداشت کرده است، از قبیل «بدو جهان، سوداوه، فربی، فشاردن، گاشتن» (خالقی مطلق، ۱۳۹۵: ۱۴۶) نوشته است: در این دستنویس نه تنها نویسندگان کهنی که تنها در همین دستنویس آمده‌باشند به چشم نگارنده نرسیده، بلکه مواردی که نویسندگان کهن یا نادر برخی دستنویس‌های دیگر را تأیید کنند نیز دیده نشد. (همانجا)

نگارنده شماری ضبط مهم (شامل برخی ضبط‌های مختار در تصحیح خالقی مطلق) در این نسخه دیده است؛ از جمله یک نمونه ضبط منحصر به فرد «بذ ایرانیان» (به جای «به ایرانیان»). البته اهمیت این نسخه، با توجه به شباهت کلی ضبط‌های آن به خانواده نسخ شیراز (علی‌الخصوص تویقایی ۷۳۱ در جاهایی و قاهره ۷۹۶ در جاهای دیگر)، شاید بیشتر از به دست دادن ضبط‌های کهن جدید، در مشخص کردن ارزش ضبط‌های نسخه‌های دیگر و ارتباط متن نسخه‌ها با یکدیگر باشد و قاعدتاً باید جایگاه و اهمیت آن دقیقاً تعیین شود و احتمالاً در تصحیح شاهنامه یکی از نسخ فرعی مورد توجه باشد. این نسخه را از این پس، با اشاره به حاجی قوام هنرپرور بخشش آموز، با نشان «حا» نمایش خواهیم داد.

بنویسند یا متن را «اصلاح کنند» بر روی خط اصلی هست. متن در ۴ ستون نوشته شده است و ۳۳ سطر؛ پس در صفحاتی که نگاره و سرنویس نداشته باشد ۶۶ بیت خواهیم داشت.

جدول بین ستون‌ها دو جفت خط سرخ است که فاصله نسبتاً زیادی دارند (تخمیناً ۸ میلی‌متر). در حاشیه متن، خطی لاجوردی بیرون یک جفت خط سرخ و نزدیک به آنها اضافه شده است. نگاره‌ها نیز جدولی از یک جفت خط سرخ دارند. سرنویس‌ها به خط توقیع و به شنگرف است و اعراب و سکون‌هایی مشکمی دارد. تا جایی که نگارنده دیده است، سرنویس‌ها اغلب جای سه بیت را می‌گیرد. خواننده/های بعدی گاه ابیاتی را که محذوف تشخیص داده‌اند در فاصله بین دو جفت خط بین ستون‌ها افزوده‌اند. از این ابیات و یادداشت‌ها در حاشیه صفحات هم مکرراً دیده می‌شود و برخی از آن‌ها جالب و درخور اعتناست، مثل یادداشتی در کنار یکی از نگاره‌ها که نوشته «این موضع جای صورت بگذارد» (که احتمالاً نشان می‌دهد از روی این نسخه نسخه‌ای مصور پرداخته‌اند). نگاره‌ها واضحاً اینجوری ست و بارها نیز بررسی شده است.

در میانه این نسخه شمس‌های زیبا هست با شانزده جقه یکی در میان سبز زبرجدی و مرجانی/ نارنجی، که قسمت هشت‌نعل داخلی آن زرین است و ظاهراً دستکاری شده است. بر زمینه این بخش، تاریخ ۷۵۳ به خط شکسته تعلیق درج شده، که سیمز (ibid) این خط را صرفاً «شکسته» دانسته است. ممکن است این رقم تکرار تاریخ اصلی شمس باشد و نام دارنده پیشین نسخه از آن پاک شده باشد (SIMPSON, 2000: 217). به هر روی در حال حاضر فقط نام «محمود شاه» بر آن باقی مانده و ظاهراً قبل از آن «بن» داشته است. متن شمس چنین است: «هو. من کتب العبد الضعیف اقل عباد [یک کلمه خالی] [الله یکی - دو کلمه خالی؛ شاید: بن] محمود شاه اصلح الله شانه فی سنه ثلاث و خمسين و سبعمائه و سبعمائه (کذا، مکرراً)». اگر این نوشته را اصیل (و در واقع تکرار نوشته اصلی) بدانیم آیا ممکن است این نسخه متعلق به یکی از منسوبان شاه

۱. هیچ یک از سه پسر دیگر شاه محمود در سال ۷۵۳ ق در قید حیات نبوده‌اند (نک. غنی، همان، صص ۵۰-۳۴). البته تمام این تأملات منوط به قبول اصالت نوشته شمس (یا پذیرش تکرار نوشته اصلی بر دست کاتب بعدی) است، اما احتمال جعل و جرح در آن نوشته وجود دارد.

محمود اینجوی و به خصوص شاه شیخ ابواسحاق باشد؟<sup>۱</sup> و آیا ممکن است این عبارت نوشته او یا تکرار نوشته او باشد؟ پذیرش اینکه شاه شیخ ابواسحاق در گرماگرم نبرد سرنوشت‌سازش با امیر مبارزالدین امر به کتابت یا خرید شاهنامه‌ای نفیس برای کتابخانه‌اش کرده باشد چندان هم سخت نیست.

ولی این نسخه، جز اهمیت احتمالی تاریخی، ارزش قطعی ادبی هم دارد. کاتبش قاعده‌ذال را اغلب، ولی نه همیشه، رعایت می‌کند. «که» را تقریباً همیشه «کی» می‌نویسد و یک بار در یک مصرع «که» و در دیگری «کی» نوشته است: «چنین گفت خاقان که امروز جنک / نباید کی چون دی بوذ بادرنک». «بی» را با دندان و بدون نقطه می‌نگارد. حروف ترکیبی ندرتاً به کار می‌برد و گاهی یاء لغاتی مانند «کی» و «همی» را برگشته می‌نویسد. برخلاف حا کمتر حرفی را زیاد بلند و کشیده می‌نگارد. دو نقطه‌ها را مایل می‌نویسد و گاه یک و دو نقطه مجاور را (مثلاً در «بیدار» و «رستخیز») جمع می‌کند و به شکل سه نقطه می‌نویسد. تقریباً همیشه در شکم یاء آخر دو نقطه می‌گذارد. گاهی «پ» و کمتر از آن «چ» در این نسخه با سه نقطه نوشته شده است که نگارنده حدس می‌زند اغلب افزوده مالکان بعدی باشد و باید صفحات بیشتری (و ترجیحاً خود نسخه) را دید تا بتوان با اطمینان نظر داد.

از این نسخه جز در مباحث مربوط به تاریخ هنر در نوشته‌های فارسی کمتر نشان هست. نگارنده متن ۶ صفحه در دسترس از این نسخه را با دست‌نوشته‌های دیگر مقایسه کرد و مجموعاً متن آن را بسیار شایان توجه دید. این نسخه در این صفحات ابیات افتاده و افزوده بسیار کمی دارد و بیشترین خویشاوندی را با نسخه توپقاپی خزینه ۱۵۱۰ مورخ ۷۸۳ ق (جعلی: ۹۰۳ق) - که متنش بسیار معتبر است و در تصحیح خالقی مطلق با نشان س<sup>۲</sup> در سه چهارم متن جزء شش نسخه اصلی است - دارد و بعد از آن با نسخه لیدن ۸۴۰ و یکی - دو نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس خویشاوندی قابل توجهی نشان می‌دهد و جالب است که در این صفحات، در نیمه دوم شاهنامه، تقریباً هر جا نسخه لیدن از نسخ آکسفورد ۸۵۲ و برلین ۸۹۴ جدا می‌شود با این نسخه همراهی دارد. اگر صفحات بیشتری از این نسخه در دست باشد شاید بتوان از

- (۱۳۸۵). «افتادگی‌ها و افزودگی‌های آماری از شش دستنویس شاهنامه». نامه بهارستان، دفتر ۱۱ و ۱۲ (زمستان ۸۴ و تابستان ۸۵): ۲۴۳-۲۵۴.
- (۱۳۹۵). «بررسی و ارزیابی دو دستنویس ناقص شاهنامه، شاهنامه بهادرخانی (دموت) - شاهنامه چستربیتی». پژوهش‌های نسخه‌شناسی، ش ۱: ۱۴۴-۱۶۰.
- زرکوب شیرازی، ابوالعبّاس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین (۱۳۵۰). شیرازنامه. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سیمپسون، مری یناشریو (۱۳۸۸). «شاهنامه در مقام متن و تصویر، نگرشی کوتاه بر پژوهش‌های اخیر». در: زبان تصویری شاهنامه. رابرت هیلن براند. ترجمه داود طبائی. تهران: فرهنگستان هنر. ص ۱۷-۴۴.
- شاپوران، علی (۱۳۹۵). «یکسانی ضبط‌های دو نسخه از شاهنامه و برخی نتایج حاصل از آن». گزارش میراث، ش ۷۶-۷۷ (پاییز و زمستان، انتشار: تابستان ۹۶): ۳۲-۴۸.
- شریف‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۲). «هنر سلجوقی و شاهنامه "کاما"». فصلنامه هنر، علم و فرهنگ، ش ۱ (زمستان): ۲۰-۹.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۰). «چاپ عکسی شاهنامه سن ژوزف». گزارش میراث، ش ۴۹ (بهمن و اسفند): ۱۰۹-۱۱۱.
- (۱۳۹۱). نسخه‌شناخت. تهران: میراث مکتوب.
- عباچی، معصومه، اصغر فهیمی‌فر، محمود طاووسی (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی نگاره‌هایی از کهن‌ترین شاهنامه جهان با شاهنامه‌های مکتب شیراز اینجو (۷۲۵-۷۵۸ ه.ق)». هنرهای زیبا، ش ۷۲، (زمستان): ۶۳-۷۴.
- غروی، مهدی (۱۳۵۲). «قدیم‌ترین شاهنامه مصور جهان (شاهنامه فیروز پشتونجی دستور بلسارا معروف به شاهنامه موسسه کاما بمبئی، متعلق به اوایل قرن هفتم هجری)». هنر و مردم، ش ۱۳۵ (دی): ۴۱-۴۴.
- (۲۵۳۶). «معرفی دو شاهنامه کهن (شاهنامه مصور کاما و شاهنامه مصور سیمرخ)». در: شاهنامه فردوسی حماسه جهانی، مجموعه سخنرانی‌های دومین جشن طوس. تهران: سروش. ص ۴۵-۵۶.
- غنی، قاسم (۱۳۶۶). بحث در آثار و افکار و احوال حافظ. ج ۱، چ ۴. تهران: زوار.
- قزوینی، علی بن حسین بن علی هلالی (۱۳۹۷). مناہج الطالبین

آن در تعیین خویشاوندی و حتی بازسازی مادر نسخه‌های این چند دست‌نوشته استفاده کرد. در مجموع نگارنده متن این نسخه را معتبرتر از مت و حا و چ<sup>۱</sup> یافت، هرچند برای قضاوت دقیق نیاز به بررسی صفحات بیشتری هست. اگر اعتبار باقی صفحات این دست‌نوشته نیز مانند صفحاتی باشد که نگارنده بررسیده است، آن را حتماً باید در متن‌شناسی و تصحیح شاهنامه مورد توجه فراوان قرار داد.

جای خوشحالی است که مالکان فعلی نسخه زوجی ایرانی‌الاصل هستند و امید است این دست‌نوشته در مالکیت ایرانیان بماند و مراکز فرهنگی کشور بیشتر به «فرهنگ واقعی» و میراث فرهنگی ایران - که سودجویی اجدادمان آن را به دیگران سپرده و غفلت کنونیان باعث شده است بسیاری از این نسخه‌ها از موزه‌های کشورهای غیرفارسی‌زبان منطقه سر در آورد - توجه کنند.

تهیه عکسی از این هفت دست‌نوشته و بررسی تبار متن آنها گامی مهم در اعتبارسنجی متن دست‌نوشته‌های کهن شاهنامه است و امیدواریم روزی این امر مهم انجام پذیرد.

## منابع

- بشری، جواد (۱۳۹۰). «پابرج ۱۰». آینه پژوهش، ش ۱۲۹ (مرداد و شهریور): ۶۷-۷۸.
- بهنامی، احمد (۱۳۹۷). مقدمه مصحح. ← قزوینی، ۱۳۹۷
- بلوم، جانانتان ام. (۱۳۸۸). «شاهنامه بزرگ ایلخانی در دوره قاجار». در: زبان تصویری شاهنامه. رابرت هیلن براند. ترجمه داود طبائی. تهران: فرهنگستان هنر. ص ۴۵-۶۳.
- پوپ، آرتور اپهام، با همکاری فیلیس اکرم‌ن و اریک شرودر (۱۳۹۴). شاهکارهای هنر ایران. ترجمه، اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری. چ ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
- توسلی، حجّت (۱۳۹۳). «کاربرد رایانه در احیای دستنویس شاهنامه کوچک دوم». آینه میراث، ش ۵۴ (بهار و تابستان): ۵۹-۱۰۸.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۴). «معرفی و ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه». ایران‌نامه، ش ۱۱ (بهار): ۳۷۸-۴۰۶.
- (۱۳۶۷). «دستنویس شاهنامه مورخ ششصد و چهارده هجری قمری (دستنویس فلورانس)». ایران‌نامه، ش ۲۵: ۶۳-۹۴.



- the Great Mongol Shāhnāma”. In: *Beyond the Legacy of Genghis Khan*. Linda KOMAROFF (ed.). pp. 269-286.
- SOUDAVAR, Abolala (1996). “The Saga of Abu-Sa’id Bahador Khan, The Abu-Sa’idnama”. In: *The Court of Il-Khans 1290-1340*. Julien RABY and Teresa FITZHERBERT (eds). Oxford: Oxford University Press. pp. 95-211.
- Sotheby’s, *Oriental Manuscripts and Miniatures* (1998). 29 April. London: Sotheby’s. Lot 41.
- STCHOUKINE, Ivan (1936). *La Peinture Iranienne sous les derniers 'abbāsides et les Il-Khans*. Bruges: Imprimerie Sainte Catherine.
- SWIETOCHOWSKI, Marie L. and Stefano CARBONI (1994). *Illustrated Poetry and Epic Images, Persian Paintings of the 1330 and 1340s*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- SWIETOCHOWSKI, Marie L. (1994a). “The Metropolitan Museum of Art's Small Shāhnāma”. In: *Illustrated Poetry and Epic Images, Persian Paintings of the 1330 and 1340s*. Marie L. SWIETOCHOWSKI and Stefano CARBONI (eds). pp. 67-81.
- ——— (1994b). “Catalogue numbers 8-48”. In: *Illustrated Poetry and Epic Images, Persian Paintings of the 1330 and 1340s*. Marie L. SWIETOCHOWSKI and Stefano CARBONI (eds). pp. 82-128.
- WRIGHT, Elaine (2006). “Patronage of the Arts of the Book under the Injuids of Shiraz”. In: *Beyond the Legacy of Genghis Khan*. Linda KOMAROFF (ed.). pp. 248-268
- فی معارف الصادقین. تحقیق و تصحیح احمد بهنامی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قلقشندی، ابوالعباس احمد (۱۹۱۴م/۱۳۳۲ق). *صبح الاعشی فی صناعة الانشی*. قاهره: دارالکتب الخدیویة.
- BLAIR, Sheila S. (1989). “On the track of the ‘Demotte’ Shahnama Manuscript”. In: *Les Manuscrits du Moyen-Orient: Essais de Codicologie et de Paléographie*. François DÉROCHE (ed.). Istanbul and Paris: IFEA. pp. 125-131.
- CANBY, Sheila R. (1998). *Princes, Poets and Paladins: Islamic and Indian Paintings from the Collection of Prince and Princess Sadruddin Aga Khan*. London: British Museum Press.
- GRUBE, Ernst J. (1962). *Muslim Miniature Paintings from the XIII to XIX Century from Collections in the United States and Canada*. Catalogue of Exhibition. Venice: N. Pozza.
- HILLENBRAND, Robert (ed.) (2000). “Persian Painting: from the Mongols to the Qajars”. London: I. B. tauris in association with the Center of Middle Eastern Studies, University of Cambridge.
- KOMAROFF, Linda (2006). *Beyond the Legacy of Genghis Khan*. London: Brill.
- MASUYA, Tomoko (1994). “The Condition of The Metropolitan Museum of Art's Small Shāhnāma and the Reconstruction of Its Text”. In: *Illustrated Poetry and Epic Images, Persian Paintings of the 1330 and 1340s*. Marie L. SWIETOCHOWSKI and Stefano CARBONI (eds). pp. 129-145.
- SIMPSON, Marianna S. (1979). *The Illustration of an Epic, The Earliest Shahnama Manuscripts*. New York and London: Garland Publishing.
- ——— (2000). “A Reconstruction and Preliminary Account of the 1341 Shahnama, with Some Further Thoughts on Early Shahnama Illustration”. In: *Persian Painting: from the Mongols to the Qajars*. Robert HILLENBRAND (ed.). pp. 215-247.
- ——— (2006). “In the Beginning: Frontispieces and Front Matter in Ilkhanid and Injuid Manuscripts”. In: *Beyond the Legacy of Genghis Khan*. Linda KOMAROFF (ed.). pp. 213-247
- SIMS, Eleanor (2006). “Thoughts on a Shāhnāma Legacy of the Fourteenth Century: Four Injū Manuscripts and

